

آموزش دینی به کودکان پیش دبستانی

بی‌شک دوران کودکی و طفولیت از حساس‌ترین دوران زندگی انسان است که پایه‌های شخصیت و اعتقادات وی در این دوران شکل گرفته و مستحکم می‌شود. ذهن خلوت و ضمیر پاک کودک، بستری آماده است برای استقرار هر مطلب و اعتقادی و صد البته مطالب و اعتقادات و ارزش‌های اصیل انسانی به دلیل انبعاث از مبدأ خلقت و هماهنگی و تناسب با روح و فطرت الهی انسان، به محض واقع شدن در جاری تعلیم و تربیت در اعماق ذهن و دل کودک خواهد نشست و هرگز چنین ذهن و ضمیری را رها نخواهد کرد. (آموزش مفاهیم دینی به خردسالان برای مربیان مهد کودک به قلم مقصود نعیمی ظاهر)

با همه آن چه دربارهٔ عقلانی و استدلالی بودن اسلام و مطابقت اغلب احکام و موضوع‌های مطرح شده در آن با علوم واقعی و قابل اعتماد گفته می‌شود و همهٔ این‌ها نیز در جای خود درست است. اولین آشنایی و ارتباط اکثر مردم با دین و جذب آنها به آن از راه دل و مبتنی بر عاطفه و محبت است. این موضوع در کودکان و نوجوانان که دارای قلبی پاکتر و رقیقتر و سرشتی الهی و دست نخورده تر هستند و در مجموع بیشتر، موجوداتی عاطفی تا عقلی اند به شکل مضاعف صادق است.

انسان‌ها به ویژه در سنین پایین‌تر احساسی هستند تا عقلی و استدلالی. آنان در روابط اجتماعی خود و ضمن برخورد با دیگران آن چه را که خوشایند طبعشان قرار می‌گیرد جذب می‌کنند و آگاهانه یا ناخودآگاه از آنها متأثر می‌شوند پرواضح است که هرچه فطرتشان پاکتر و درست‌تر و دست نخورده تر باقی مانده باشد که کودکان عمدتاً این چنین هستند بیشتر جذب پاک‌ها و نیکی‌ها و ارزش‌های والا می‌شوند. این تأثیر عواملی می‌تواند داشته باشد که یکی از عوامل مهم در تحت تأثیر قرار دادن مخاطب وجود صداقت و صمیمیت در اثر و نویسندهٔ آن است. (پویش، محمدرضا سرشار، چاپ اول 137، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ص 240)

«پیاژه روان‌شناس سوئیسی رشد اخلاق در کودکان را دارای مراحل گوناگون می‌داند:

- 1- مرحلهٔ پیش اخلاقی که تا 4 سالگی است و مرحلهٔ «ناپیروی» خوانده می‌شود.
- 2- مرحلهٔ قراردادی است یا مرحلهٔ «دیگر پیروی» نیز خوانده می‌شود. کودک به طور کورکورانه نه از روی اعتقاد از بزرگها تبعی می‌کند در این مرحله خوب و بد، آن چیزی است که منبع قدرت به کودک دیکته می‌کند.
- 3- مرحلهٔ «خودپیروی» است که از 7 تا 12 سالگی می‌باشد.

آن چه کاملاً طرح مسائل اخلاقی، دینی و فلسفی در عرصه ادبیات کودکان به موضوعی بحث انگیز بدل می‌کند رعایت مرز روشنگری، اطلاع و القاست. این کودک در معرض اندیشه‌های گوناگون فلسفی، اخلاقی و دینی قرار بگیرد فی نفسه نکته منفی نیست بلکه مشکل از آن جا آغاز می‌شود که هرکس بخواهد کودک کم تجربه‌ای که تازه قرار است قدرت قضاوت درباره مسائل و تشخیص سره از ناسره را دهد ابتدا باید شک کند و سپس به یقین برسد رودررو با اندیشه‌ای جبری و بسته بندی شده قرار بدهد. (ادبیات کودکان و نوجوانان، قزل ایاغ، ثریا، 1394)، چاپ چهارم، تهران: سمت، ص 253)

آن چه اهمیت دارد چگونگی طرح مسائل است نه مطرح کردن آنها. بسیار مهم است که این گونه آثار از تحمیل و القا و تحریف به دور باشند و در حد امکان در ارائه اطلاعات و نظریه‌ها رعایت بی نظری شده باشد. (ادبیات کودکان و نوجوانان، 1394) قزل ایاغ، ثریا، چاپ چهارم، تهران: سمت، ص 256)

دستورات اخلاقی و امر و نهی‌های مکرر و مستقیم تأثیر منفی در رفتار کودک دارند. نکته قابل توجه این است که مضمون اخلاقی نباید پیام را به صورت مستقیم و به شیوه امر و نهی برگازار کند بلکه به صورت غیرمستقیم مفاهیم رفتاری را به او القا کند. (تبسم شکوفه، مرتضوی، منصور، 1392)، چاپ پنجم، نشر: شریعت قم، ص 163)

ادبیات دینی مولود حس دینی و هنرمندانه است و نه مولود انسان‌های دیندار و هنرمند. (پویش، محمدرضا سرشار، چاپ اول 137، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ص 122)

با اطمینان می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از دوره‌های زندگی رشد جسمی و روانی کودک به اندازه دوره قبل از دیستان نیست. کودک پنج ساله به اشعار و مطالب موزون به دقت گوش می‌دهد و از شنیدن کلام موزون لذت می‌برد. سن شش سالگی در زندگی کودک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است در این سن کودک از محیط خانواده جدا شده وارد محیط تازه‌ای به نام مدرسه می‌شود در این سن کودک نیاز به مراقبت دارد. (تبسم شکوفه، مرتضوی، منصور، 1392)، چاپ پنجم، نشر: شریعت قم، ص 47)

شعرهای آهنگین همراه با تصاویر مناسب، زیبا و دل‌انگیز می‌تواند تأثیر پیام و موضوع مورد نظر اثر ادبی را دو چندان کند. کودکان به صورت طبیعی به تصویر نقاشی‌های زیبا علاقه مند هستند آثاری که هنر و تصویرسازی را به نحوی خوب رعایت کرده باشد بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. (تبسم شکوفه، مرتضوی، منصور، 1392)، چاپ پنجم، نشر: شریعت قم، ص 56)

مثنوی بعد از چهارپاره مناسب‌ترین قالب برای شعر کودک و نوجوان است:

که هم در خانه ما هست و هم نیست	به مادر گفتم این آخر خدا کیست
دمی از بندگان خود جدا نیست	تو گفתי مهربان تر از خدا نیست
چرا هرگز نمی گوید جوابم	چرا هرگز نمی آید به خوابم
تو را دیدم خدایت را ندیدم	نماز صبحگاهت را شنیدم
خدا را در دل خود جوی یک چند	به من آهسته مادر گفت فرزند
بهار و باغ و گل از او نشان است	خدا در بوی و رنگ گل نهان است
بود در روشنایی ها خداوند	خدا در پاکی و نیکی است فرزند

پروین دولت آبادی (گل بادام)

مولوی می فرماید:

چون که با کودک سر و کارت فتاد هم زبان کودکی باید گشاد

مولوی

برای موفقیت در ایجاد ارتباط با کودکان باید محدودیت‌ها، تفاوت‌ها، ظرفیت و مسائل روحی و روانی و جسمانی آنها توجه کنیم. یکی از روش‌هایی که ما را در ایجاد ارتباط با کودکان موفق می‌کند ادبیات کودکان و نوجوانان است. به وسیله آثاری مثل قصه، افسانه، نمایش نامه، سفر که جاذبه بیشتری دارند و مورد علاقه بچه‌ها هستند. (تبسم شکوفه، مرتضوی، منصور، 1392)، چاپ پنجم، نشر: شریعت قم، ص 48)

یادمان باشد هنر و ادبیات فضیلت‌های فراموش شده فطری را هنرمندانه برجسته می‌کند.

روش‌هایی مانند روش استفاده از مثل، روش قصه‌گویی، روش پرسش و پاسخ، روش نمایشی، روش تذکر نعمت‌های الهی از روش‌های آموزش دینی به کودکان است.

آموزش برخی مفاهیم دینی در دوره پیش دبستانی

1- خدا: برای آموزش خدا به کودک باید بیشتر گفت و گوها درباره زیبایی، مهربانی و دوست داشتن بودن او باشد.

2- پیامبر: تلقی کودکان از پیامبر انسان هایی خوب، مهربان و مفیدند که فداکارتر و خوش اخلاق تر و مهربان تر از همه هستند.

برای آموزش مفهوم پیامبر و امامان به کودکان باید داستان های ساده و شیرین از مهربانی آنها با انسان ها و کودکان و با حیوانات نقل کرد. و در مراسم جشن ولادت آنها و عزاداری آنها کودکان را شرکت داد. (استفاده از اینترنت)

بی شک دوران کودکی و طفولیت از حساس ترین دوران زندگی انسان است که پایه های شخصیت و اعتقادات وی در این دوران شکل گرفته و مستحکم می شود. ذهن خلوت و ضمیر پاک کودک، بستری آماده است برای استقرار و تمکن هر مطب و اعتقادی و صد البته مطالب و اعتقادات و ارزش های اصیل انسانی به دلیل انبعاث از مبدأ خلقت و هماهنگی و تناسب با روح و فطرت الهی انسان، به محض واقع شدن در جاری تعلیم و تربیت در اعماق ذهن و دل کودک خواهد نشست و هرگز چنین ذهن و ضمیری را رها نخواهد کرد. (آموزش مفاهیم دینی به خردسالان برای مربیان مهد کودک به قلم مقصود نعیمی ظاهر)

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی مهدوی راد، قرآن پژوه و پژوهشگر حوزه علمیه قم در گفت و گو با [خبرگزاری بین المللی](#)

[قرآن \(ایکنا\)](#) اظهار کرد: ساماندهی آموزش مفاهیم دینی را باید از پیش دبستانی با بازی های خاص کودکانه آغاز کرد؛ بهترین

جایی که می توان مباحث قرآنی را برای استفاده اجتماع نهادینه کند، مدرسه است. ساماندهی آموزش مفاهیم دینی را باید از

پیش دبستانی با بازی های خاص کودکانه آغاز کرد و بهترین جایی که می توان مباحث قرآنی را برای استفاده اجتماع نهادینه

کند، مدرسه است. (اینترنت)

اگر درصد آن هستیم که آموزش مذهبی متناسب با ویژگی های کودکان را برنامه ریزی نماییم ناچار از آنیم که به دنیای کودکانه آنان گام بگذاریم و از دید آنها به معارف دینی بنگریم ما باید عدم موفقیت خود را در نقص موجود در برنامه های خویش جست و جو کنیم نه در کودکان. نداشتن آگاهی از برداشت های کودکان سبب خواهد شد معارف دینی در سطوحی ارائه شود که با فهم دانش آموزان متناسب نباشد و این مایه خستگی و دلزدگی آنان از مسائل دینی می گردد. (فصل نامه رشد آموزش پیش دبستانی).

مطالب زیر از اینترنت گرفته شده است:

منظور از اصل سهولت این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان را در نظر گرفت و از زیاده‌روی، خشونت و سخت‌گیری در روند آموزشی پرهیز نمود؛ زیرا هدف از آموزش مفاهیم دینی، برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه‌های دینی است و نه صرفاً انتقال آگاهی‌های دینی. از این‌رو، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله همواره این سخن را تکرار نموده‌اند که «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت‌گیری نکنید»؛ (20) چرا که «خداوند مرا سخت‌گیر و سرسخت مبعوث نفرمود، بلکه مرا آموزگاری آسان‌گیر مبعوث نموده است.» (21) شهید مطهری نیز نقل می‌کند: «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن‌گاه که معاذ بن جبل را برای تبلیغ دین به یمن فرستاد، به او چنین فرمود: «یا مَعَاذُ بَشْرٍ لَا تَنْفَرُ وَ يَسْرُو لَا تُعَسِّرُ»؛ می‌روی برای تبلیغ اسلام، اساس کارت تبشیر و مژده و ترغیب باشد، کاری بکن که مردم مزایای اسلام را درک بکنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. نکته‌ای که پیغمبر اشاره کرد این بود که «بَشْرٌ وَ لَا تُنْفَرُ»؛ کاری نکن که مردم را از اسلام فرار بدهی و متنفر بکنی. مطالب را طوری تقریر نکن که عکس‌العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد.

حال با توجه به اصل آسان‌گیری در آموزش‌های اسلامی، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی به کودکان از اهمیت بیش‌تری برخوردار است؛ زیرا بنابر آنچه در بررسی ویژگی‌های کودکان بیان شد، مفاهیم دینی اموری هستند که با فطرت کودک سازگارند و نیازی به تحمیل و سخت‌گیری ندارند، سخت‌گیری زمانی است که آموزه‌هایی خلاف خواست فطری کودک به گونه‌ای برای او ترسیم و تکرار شود که آن را بدون فکر و اندیشه بپذیرد. علاوه بر این، مفاهیم و آموزه‌های دینی سهل و آسان، زمینه‌های درونی و انگیزشی لازم را برای کودک فراهم نموده، او را به یادگیری مفاهیم و حقایق دینی علاقه‌مند می‌سازد. چنان‌که خشونت و سخت‌گیری در امر آموزش مفاهیم دینی، کودک را نسبت به اصل دین و تعالیم حیات‌بخش آن بدبین نموده، آثار و پی‌آمدهای ناگواری در روحیه لطیف او باقی خواهد گذاشت. بنابراین، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی کودک چنان مهم است که ائمه معصومین علیهم‌السلام در سخنان نورانی خویش والدین را بدان سفارش نموده‌اند. بنابر مضمون روایتی از امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله ، «والدین کاری را که انجام آن برای کودک آسان و ساده است بپذیرند و آنچه را که انجامش بر وی سنگین و غیر قابل تحمل است از او انتظار نداشته باشند.»

اصل تدریج

اصل تدریج و رعایت توان و استعداد دانش‌آموز از دیگر اصول تعلیم و تربیت است. انسان از زمان تولد تا سنین بزرگسالی

توانایی‌های جسمی، ذهنی و عاطفی یکسانی ندارد و در هر دوره از رشد با خصوصیات ویژه آن دوره ظاهر می‌شود.

قرآن کریم در طول 23 سال به تدریج بر پیامبر نازل گردید که خداوند در کریمه 106 از سوره «اسراء» به این نکته اشاره

می‌فرماید: «وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»؛ و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با

درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را به تدریج نازل کردیم.

مفسران در بیان علل نزول تدریجی آیات قرآن مطالب فراوانی نوشته‌اند که بررسی همه آن‌ها از حوصله این مقاله بیرون است

و در این جا تنها به دیدگاه علامه طباطبائی اشاره می‌کنیم. به عقیده ایشان، نزول آیات قرآن به تدریج به خاطر بلوغ و رشد

استعداد مردم در تلقی معارف اعتقادی و احکام فرعی و عملی آن است.

خلاصه آن که، قرآن با در نظر داشتن سطح درک و فهم مردم، به مرور احکام اسلام را بیان فرموده، به گونه‌ای که فهم و

پذیرش آن برای آنان ممکن باشد. بنابراین، آموزش مفاهیم دینی به کودکان باید تدریجی باشد و آنان را به تدریج و آرام آرام

با مفاهیم دینی آشنا نمود. در تعالیم اسلامی توصیه‌هایی در این زمینه وجود دارد که ما تنها به ذکر یک روایت اکتفا نموده و

نتیجه‌گیری می‌کنیم.

امام باقر یا امام صادق علیهماالسلام در حدیث مفصلی آموزش مفاهیم دینی کودکان را در سنین مختلف بیان فرموده است:

«در سه سالگی کلمه توحید "لااله الاالله" را به کودک بیاموزید، سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست

روز برسد، آن‌گاه "محمد رسول الله" را به او یاد بدهید، سپس تا چهارسالگی او را رها سازید و در چهار سالگی صلوات بر

محمد را به او بیاموزید...»

روش‌های آموزش مفاهیم دینی

مقصود از روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان، فنون، شیوه‌ها و دستورالعمل‌های جزئی است که اهداف و اصول آموزش

مفاهیم دینی را به ثمر می‌رساند و به آن‌ها عینیت می‌بخشد. در واقع، بخش کاربردی فرایند آموزش مفاهیم دینی، شیوه‌ها و

روش‌های آن است. به عبارتی، مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از فرایند آموزش، تعیین و تشخیص روش‌های آموزش مفاهیم

دینی و استفاده و به کارگیری صحیح و مناسب آن، به ویژه برای کودکان می‌باشد. از این‌رو، در این بخش، با توجه به

ویژگی‌های شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان دبستانی، به بررسی این روش‌ها خواهیم پرداخت.

روش استفاده از مثال

یکی از روش‌های مهم و مؤثر در آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی، استفاده از مثال است. استفاده از مثال‌های متنوع،

فهم مسائل انتزاعی را برای دانش‌آموزانی که از نظر رشد شناختی و تحول روانی ضعیف و یا در سطح پایینی می‌باشند، آسان

می‌کند. به عبارتی، در بیان مطالب علمی و عقلی، استفاده از مثال بهترین روش برای هر چه بیش‌تر آشکار ساختن مطالب، تفهیم ساده‌تر و در نتیجه، درک بهتر و سریع‌تر آنهاست. از این‌رو، استفاده از مثال یک شیوه قرآنی است. قرآن کریم با استفاده از این روش، حقایق و مفاهیم عقلی و غیر محسوس را در قالب حکایات و مثال‌های سودمند، به گونه‌ای در ذهن مخاطب ملموس و مجسم می‌سازد تا به این ترتیب ماهیت امر برای مردم روشن و آشکار گردد و آنان به خوبی به حقیقت موضوع پی ببرند. (43) پیامبر مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز در بسیاری از موارد برای القا و تفهیم آموزه‌های عالی دینی و تبیین مطالب عقلی، از مثال آوری بهره برده‌اند.

روش قصه‌گویی

زبان قصه یا داستان یکی از مناسب‌ترین روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان می‌باشند و این سبب می‌شود تا بخش عمده تعلیم و تربیت دینی کودکان از این راه انجام پذیرد. هرچه استفاده از داستان‌های مناسب بیش‌تر باشد، تأثیر این آموزش و رسیدن به هدف‌های مورد نظر آن، ساده‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. در اهمیت این روش و بهره‌گیری از آن، همین بس که در قرآن کریم و تعالیم انبیای الهی و کتاب‌های آسمانی هم این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه برای آموزش، هدایت، القای مفاهیم و پیام‌های دینی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم بسیاری از مفاهیم، حقایق و آموزه‌های دینی را در قالب بهترین قصه‌ها، به زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مردم بیان نموده است. مثلاً، در داستان حضرت آدم و حضرت عیسی علیهما‌السلام حقیقت و چگونگی آفرینش الهی تفسیر می‌شود؛ در داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام اثبات توحید و یگانگی خداوند و در داستان عزیر کیفیت معاد بیان گردید است.

از آن‌جا که قصه و داستان آموزه‌ها و حقایق آموزشی را به طور غیر مستقیم بیان می‌دارد، از نظر روان‌شناسی تربیتی نیز یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های آموزشی به حساب می‌آید. بنابراین، معلمان در آموزش مفاهیم دینی به کودکان می‌توانند با استفاده از این روش، مفاهیم اعتقادی دین اسلام، از قبیل مسأله توحید، نبوت، امامت و معاد را در صورت لزوم در قالب داستان‌های مناسب و با توجه به مقتضای سن و حالت روحی دانش‌آموزان دبستانی بیان کنند.

روش یادآوری نعمت‌های الهی

خداوند متعال نعمت‌های مادی و معنوی فراوانی برای بشر آفریده است. به عبارتی، خداوند انسان را سرشار از نعمت‌های خویش نموده و همه نوع نعمت در اختیار او قرار داده است. در قرآن، نعمت‌های الهی بر دو گونه‌اند: نعمت‌های ظاهری و نعمت‌های باطنی؛ چنان‌که قرآن کریم در کریمه 20 سوره «لقمان» می‌فرماید: «وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»؛

نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است. در این‌که منظور از نعمت‌های «ظاهر» و «باطن» در آیه چیست، مفسران بسیار سخن گفته‌اند. در احادیثی که از پیامبر مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام نقل شده است، نعمت ظاهری را رزق و آفرینش نیکو و توحید و نبوت و اسلام، و نعمت باطنی را ولایت و مودت اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دانسته‌اند. (45) از سوی دیگر، قرآن کریم در آیاتی چند به یادآوری نعمت‌های الهی سفارش نموده است. برای مثال، در کریمه 3 سوره «فاطر» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ.» (46) همچنین یکی از روش‌های تربیتی پیامبران الهی، یادآوری نعمت‌های الهی می‌باشد تا به این وسیله گرایش انسان‌ها را به سوی صاحب نعمت برانگیزند و سپاس‌گزاری از نعمت‌دهنده را، که از گرایش‌های ریشه‌دار و فطری انسان است، در آنان بیدار سازند. چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در این‌باره می‌فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ، وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَ يَذْكُرُوا هُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ.» (47)

از این‌رو، در دوره دبستان با توجه به تمایلات فطری و گرایش‌های ذاتی پاک و دست‌نخورده کودکان بهتر می‌توان از روش یادآوری نعمت‌های الهی در آموزش و تعمیق بینش الهی آنان استفاده کرد. یادآوری نعمت‌های خداوند می‌تواند به تقویت و تعمیق شناخت کودک در مسأله خداشناسی کمک کند تا بتواند ولی نعمت خود را بشناسد و وظایف خود را از قبیل شکرگزاری و ایمان به او، ایفا کند. با یادآوری نعمت‌های الهی می‌توان ذهن کودک را به خدای مهربان متوجه کرد و میل و گرایش او را نسبت به خدایی که همه چیز را آفریده و به همه کمک می‌کند، جلب نمود. بر این اساس، در تدریس و آموزش خداشناسی و معاد به کودکان، باید بیش‌تر بر محبت و عشق الهی به همه انسان‌ها و به ویژه نیکوکاران و دادن پاداش و نعمت‌های بهشتی به آنان در روز قیامت تأکید کرد و آنان را نسبت به خدا و رحمت او امیدوار و علاقه‌مند ساخت و از بیان عذاب و رنج دوزخ، که زندگی پس از مرگ را به گونه‌ای وحشتناک و دهشت‌انگیز ترسیم نماید، خودداری کرد.

روش نمایشی (نمادین)

منظور از نمایش، مجسم کردن و به صورت مشهود و محسوس درآوردن پیام‌ها و آموزه‌هاست. روش نمایشی یکی از روش‌های آموزشی است که دارای تأثیر فوق‌العاده‌ای می‌باشد و از راه آن می‌توان آموزه‌های دینی را در قالب‌های قابل مشاهده و به گونه‌ای روشن، آسان و محسوس به کودکان آموزش داد. نمایشی کردن مفاهیم عقلی و انتزاعی، به ویژه برای کودکان با توجه به غلبه برخورد حسی آنان، موجب می‌شود که این‌گونه مطالب بهتر درک شود و یادگیری عمیق‌تری صورت پذیرد؛ معمولاً کودکان، خاطرات نمایشی را که در کودکی دیده‌اند، به شکل آگاهانه یا ناآگاهانه، تا آخر عمر در حافظه خود حفظ و نگهداری می‌کنند. اصولاً استفاده از روش نمایشی، و به صورت محسوس و مشهود در آوردن مفاهیم و مسائل آموزشی، از جمله روش‌هایی است که در قرآن کریم نیز فراوان مورد استفاده قرار گرفته است. قرآن کریم با استفاده از روش نمایشی توانسته

است اصول اعتقادی را اثبات و برای عموم مردم قابل درک و فهم نماید. قرآن کریم هنگامی که - مثلاً - درصدد تقویت ایمان مخاطبان به زندگی پس از مرگ و مسأله معاد می‌باشد، به ارائه نمونه‌های مشابه حسّی و قابل مشاهده در این دنیا می‌پردازد؛ یکی از نمونه‌های عینی که قرآن مجید بارها به آن پرداخته و برای اثبات این امر در برابر چشم همگان به معرض نمایش قرار داده، زنده شدن مجدد گیاهان می‌باشد. (48) علاوه بر تعالیم وحی، معصومان علیهم‌السلام نیز در پاره‌ای از موارد برای محسوس و مجسم نمودن مفاهیم و حقایق دینی از روش نمایشی استفاده نموده‌اند. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در موارد متعددی، مانند آموزش نماز و حج از این روش استفاده نموده و به مردم می‌فرمودند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي»؛ (49) نماز بگزارید، آن‌گونه که می‌بینید من نماز می‌گزارم. در حدیثی آمده است که روزی عده‌ای از بزرگان یهود به مدینه آمدند و از حضرت علی علیه‌السلام در مورد خدا سؤالاتی نمودند؛ از جمله درباره معنی جمله «أَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ یعنی چطور ما به هر طرف رو کنیم، به طرف خدا هستیم؟ حضرت علی علیه‌السلام به ابن عباس دستور داد هیزمی آماده نموده و آتشی را برافروزند، آن‌گاه از آنان سؤال کرد: صورت آتش به کدام جهت است؟ گفتند: ما که برای شعله آتش صورتی نمی‌یابیم؛ یعنی شعله آتش که پشت و رو ندارد. آن‌گاه حضرت فرمود: «كَذَلِكَ رَبِّي أَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»؛ یعنی همان‌گونه که شعله پشت و رو ندارد و شما در هر طرف آن باشید، روبه روی آن هستید، خدا نیز پشت و رو ندارد. (50)

بنابراین، طبیعی است که جنبه آموزشی روش نمایشی مؤثرتر و پرجاذبه‌تر از روش گفتاری صرف است؛ چرا که روش نمایشی همزمان گوش و چشم مخاطب را به کار می‌گیرد. از این‌رو، در آموزش مفاهیم دینی کودکان لازم است تا آن‌جا که امکان دارد مواد و مطالب آموزشی به صورت نمایشی ارائه گردد. آموزش بسیاری از مفاهیم دینی اعمّ از اصول و مبانی ارزشی، اعتقادی و احکام عملی با استفاده از روش نمایشی قابل آموزش پذیر است. مثلاً، در ارتباط با خداشناسی، معلم می‌تواند دانش‌آموزان را به نزدیک ساختمانی که عده‌ای مشغول ساخت و تکمیل آن هستند ببرد تا آنان با مشاهده زحمات و تلاش‌های فراوانی که برای بنای آن صورت می‌گیرد، به این نتیجه برسند که ساختمانی به این کوچکی و بساطت نیازمند سازنده‌ای است، پس این زمین و آسمان‌ها و دیگر مخلوقات عالم که بسیار عظیم‌تر و شکوهمندتر می‌باشند، محتاج خالق آگاه و توانا است.